



Symbolic Interpretation of the Role of the Dragon in Iranian Art Iconography

*Mohammad Khazaei, Professor, Department of Graphic Arts, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran. Iran.
Email: khazaiem@modares.ac.ir*

Extended Abstract

Introduction: The dragon is a recurring and powerful motif in Iranian art iconography, yet it has often been superficially described merely as a demonic creature and a symbol of evil forces in mythology. This study aims to reinterpret and analyze the multiple meanings of the dragon symbol in Iranian art. The central research question is: Is the role of the dragon in Iranian art limited solely to the symbolism of evil, or does it carry broader, more diverse meanings? By challenging the one-sided, shame-centered view, this paper seeks to uncover the dynamic and multi-layered symbolic functions of the dragon across different cultural, religious, and artistic contexts.

Methods: To answer the research question, the present study adopted an analytical-descriptive method. Data were collected from two main sources: written historical and religious texts, and visual evidence from Iranian decorative arts. The analysis focused on examining the symbolic functions of the dragon motif in various domains, including ancient mythology, astronomical iconography, decorative patterns, and Islamic texts (particularly Quranic interpretations of the story of Moses). The study also considered the relationship between the dragon and the snake as its initial form, as well as the symbolic use of the “knot” as a magical or talismanic tool.

Findings: The findings indicate that the meaning of the dragon in Iranian art goes far beyond a one-sided symbol of evil, revealing diverse and even contradictory implications depending on the context:

- In ancient mythology, the snake – considered the initial form of the dragon – was a symbol of health and healing, not evil.
- In astronomical iconography, although the dragon itself is not a planet, it was used as a symbol to indicate specific cosmic situations, such as lunar or solar eclipses.
- In decorative motifs, the entanglement of the snake and dragon, especially when combined with the symbolic “knot” as a magical tool, carries talismanic and protective functions.
- In Islamic texts, particularly the Quranic interpretation of the story of Moses (PBUH), the dragon represents the manifestation of the rod of prophecy. In this context, it is depicted as a protective agent and a destroyer of evil and



tyrannical forces.

Thus, the dragon simultaneously embodies opposing qualities: healing and danger, protection and destruction, cosmic order and chaos.

Conclusion: As a result, this study demonstrates that the role of the dragon in Iranian art is not static or unidimensional but rather a dynamic and multi-layered symbol. Its meanings shift in accordance with the cultural, religious, and artistic context in which it appears. Therefore, the dragon cannot be interpreted solely within the framework of a symbol of evil. This research contributes to a more nuanced understanding of Iranian iconography and invites further study of other similarly complex symbols in Persian visual culture.

Keywords: Dragon, iconography, symbolism, Iranian art, decorative art, mythology.

تأویل نمادین نقش اژدها در شمایل‌نگاری هنر ایران

محمد خزائی^۱

چکیده

این پژوهش باهدف بازخوانی و تحلیل چندمعنایی نماد اژدها در شمایل‌نگاری هنر ایران انجام شده است. باوجود توصیف رایج اژدها به‌عنوان موجودی اهریمنی و نموداری از نیروهای پلید در اساطیر، پرسش محوری مقاله حاضر این است: آیا نقش اژدها در هنر ایران صرفاً به نمادگری شر محدود می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با روشی تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر منابع مکتوب و شواهد تصویری، به واکاوی کارکردهای نمادین این نقش در هنرهای تزئینی ایران پرداخته است. یافته‌ها بیانگر آن است که معنای اژدها فراتر از یک‌سویه‌نگاری شرم‌محور است و در بافت‌های مختلف، دلالت‌های متنوع و حتی متضادی می‌یابد. در اساطیر کهن، مار که صورت آغازین اژدها محسوب می‌شود مظهر تندرستی و درمان‌گری بوده است. در نقش‌نگاری نجومی، اگرچه اژدها خود سیاره نیست، اما به‌عنوان نمادی برای نشان دادن موقعیت‌های خاص کیهانی مانند گرفت‌ها به کار رفته است. همچنین، درهم‌تنیدگی مار و اژدها در نقوش تزئینی، با توجه به کاربرد نمادین «گره» به‌عنوان ابزار جادو، می‌تواند حامل کارکردی طلسم‌گونه و محافظتی باشد. در متون اسلامی نیز، به‌ویژه در تفسیر قرآنی داستان موسی (ع)، اژدها تجلی یافته‌ی عصای نبوت، عاملی محافظ و نابودکننده نیروهای شیطانی و ظالم تصویر شده است. در نتیجه، این مطالعه نشان می‌دهد که نقش اژدها در هنر ایران، نمادی پویا و چندلایه است که متناسب با زمینه فرهنگی، مذهبی و هنری، از دامنه معنایی گسترده‌ای برخوردار بوده و نمی‌توان آن را تنها در چارچوب نماد شر تفسیر کرد.

واژگان کلیدی

اژدها، شمایل‌نگاری، نمادگرایی، هنر ایران، هنر تزئینی، اسطوره‌شناسی.

مقدمه

نقش اژدها به عنوان یکی از کهن‌الگوهای اساطیری، جایگاهی پیچیده و پرتکرار در میراث تصویری و ادبی ایران دارد. این موجود افسانه‌ای که در اشعار حماسی و روایت‌های فارسی با وضوح توصیف‌شده، در طول تاریخ به اشکال متنوعی در هنر ایرانی تجسم یافته است. در نگاه نخست، این انگاره رایج وجود دارد که اژدها صرفاً تجسم نیروهای اهریمنی و نمادی جهانی از شر است دیدگاهی که در بسیاری از متون اساطیری جهان (به استثنای فرهنگ چین) نیز تأیید می‌شود (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۶). همچنین، این دیدگاه از سوی برخی از مستشرقان مطرح شده که خاستگاه این نقش در هنر ایران متأخر، متأثر از هنر چین و از طریق مبادلات تجاری در دوران ایلخانی و تیموری است. اما شواهد تاریخی، این روایت را به چالش می‌کشند. پیشینه تصویری اژدها در فلات ایران، با کشفیات باستان‌شناسی مانند محوطه جیرفت، به هزاره‌های پیش از تاریخ بازمی‌گردد و نشان از ریشه‌هایی اصیل و کهن دارد. از سوی دیگر، منابع مکتوب فارسی نظیر شاهنامه فردوسی (قرن پنجم هجری) با توصیفات دقیق خود، منبع الهام مهم و مستقلاً برای هنرمندان در دوره‌های اسلامی فراهم آورده‌اند. این دوگانگی (ریشه‌دار بودن در کهن‌الگوی بومی از یک سو و تلقی به عنصری وارداتی و تک‌معنا از سوی دیگر) مسئله‌ای اساسی پیش روی پژوهش حاضر قرار می‌دهد.

در نتیجه، پرسش اصلی این مقاله شکل می‌گیرد: آیا می‌توان نقش اژدها در شمایل‌نگاری هنر ایران را صرفاً در چارچوب نمادگرایی شر تفسیر کرد، یا آنکه این نقش، دالی معنایی است که بسته به بافت فرهنگی، مذهبی و هنری، دلالت‌های متنوع و حتی متضادی می‌یابد؟ برای پاسخ به این پرسش، این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و شواهد تصویری، در پی بازخوانی کارکردهای نمادین اژدها در بستر هنر ایرانی است. فرضیه مقاله بر این استوار است که این نقش، از ظرفیت تفسیری چندلایه‌ای برخوردار است و می‌توان در کنار کارکرد شرورانه، وجوهی حفاظتی، طلسمی، اخترشناسی و حتی تقدس‌آمیز برای آن شناسایی کرد.

ساختار مقاله پس از این مقدمه، با مروری بر پیشینه تصویری و ادبی اژدها ادامه می‌یابد و سپس با بررسی موردی این نقش در حوزه‌های مختلف هنرهای تزئینی و در بسترهای متفاوت، به تحلیل و استنتاج می‌پردازد.

اژدها سومین صورت شمالی فلکی در نجوم

یکی از منابع تصویرگری اژدها در گذشته، دانش نجوم بوده است. اگرچه اژدها هرگز سیاره نبوده اما موقعیت نجومی به آن اعطا شد. در نجوم این نقش سومین صورت شمالی فلکی است که در کتاب صورالکواکب الثابه عبدالرحمن صوفی با نام عربی «تنین» آورده شده است. در شمایل‌نگاری نجومی اوایل اسلام، اژدها نمایانگر گرفتگی سیاره است و گره - خط اعتدال مدار ماه است. بسیاری از اقوام گذشته خسوف و کسوف را چنین تعبیر می‌کردند که اژدهایی ماه یا خورشید را می‌درد و

می‌بلعد. در هنگام ماه‌گرفتگی عوام می‌گویند اژدها ماه را در کام خود گرفته و به کوفتن طبل و طشت می‌پردازند تا ماه از دهان اژدها رهایی یابد. باورهای عامیانه هندوایرانی، ماه و خورشید به هنگام گرفتگی به کام اژدها فرو می‌روند:
 بر قمر نور پاش رویش به چون قمر را سیه کند تنین (سنای‌ی)،
 نظامی نیز گفته است:

تاج مه در میان، دو شیر سیاه چون به کام دو اژدها، يك ماه (هفت‌پیکر)
 از میان سیارات هفتگانه، تنها خورشید تقریباً بر روی دایره‌البروج حرکت می‌کند. شش سیاره دیگر حرکاتی غیر از حرکت خورشید دارند. هر یک از مدارهای کواکب شش‌گانه منطقه‌البروج دو نقطه تقاطع دارند. این دو نقطه را «جوزهرین» و هریک از آن‌ها را «جوزهر» گویند. فلک جوزهر ماه به سبب مشابهت آن به اژدها، «عقده» و تنین نیز گفته‌اند (ماهیار، ۱۳۹۲: ۳۱۱).

به عبارتی دیگر، جوزهر، اصطلاحی در نجوم قدیم که بر هر یک از نقاط برخورد فلک مایل سیارات با دایره‌البروج اطلاق می‌شود. فلک مایل هر سیاره و دایره‌البروج نسبت به هم زاویه دارند، پس در دو نقطه یکدیگر را قطع می‌کنند که هر یک از این دو نقطه جوزهر نامیده می‌شود. نقطه‌ای را که سیاره پس از عبور از آن در نیمه شمالی دایره‌البروج قرار می‌گیرد، «رأس» و نقطه دیگر را که سیاره پس از عبور از آن در جنوب دایره‌البروج قرار می‌گیرد، «ذَنَب» گویند. در نجوم امروزی جوزهر را «گره» می‌نامند و به جوزهرتین «نقاط اژدهایی» گفته می‌شود (امینی، ۱۳۹۸: ۱۶۱).

یکی از قدیمی‌ترین تصویرگری‌های جوزهر (موجود خارق‌العاده انسان‌نما) و اژدها را با مفهوم نجومی می‌توان در هنر پیش از اسلام ایران مشاهده کرد. به عنوان مثال در نقش یک ظرف سنگی (سنگ صابون) هزاره پنجم قبل از میلاد جیرفت، در جنوب شرقی ایران، پیکره یک موجود خارق‌العاده (جوزهر) در میان دو مار بزرگ که سرهای آن‌ها را در چنگ خود گرفته، حک شده است. (شکل ۱). نقش فوق نمودی از خسوف و کسوف را تعبیر کرده که اژدهایی ماه یا خورشید را می‌درد و می‌بلعد.

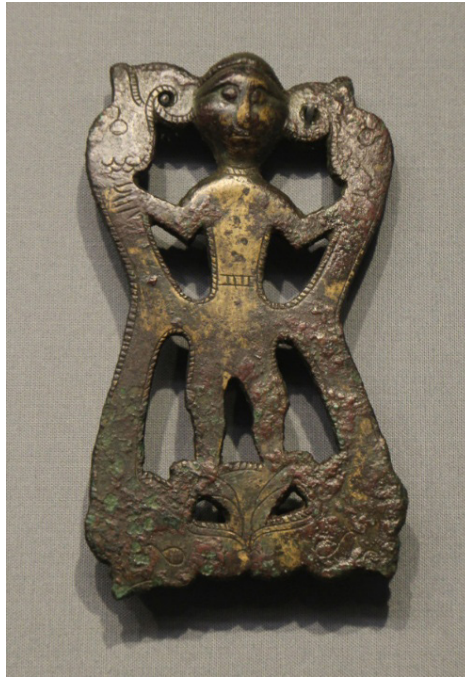


تصویر ۱. نقش پیکره یک موجود خارق العاده (جوزهر)، ظرف سنگی (سنگ صابون)، هزاره پنجم قبل از میلاد، جیرفت، لندن، موزه بریتانیا.

شبيه اين نقش در مفرق‌های لرستان حدود، ۶۰۰ سال قبل از میلاد، هم به شکل بسیار متنوعی قابل ردیابی است (شکل‌های ۲ و ۳).



تصویر ۲. نقش جوزهر، سنجاق سر، مفرق‌های لرستان حدود، ۶۰۰ سال قبل از میلاد، پاریس، موزه لوور.



تصویر ۳. نقش جوزهر، پلاک مفرقی، لرستان حدود، ۶۰۰ سال قبل از میلاد، سن پیترزبورگ، موزه ارمیتاژ.

نقش جوزهر و اژدها را با مفهوم نجومی می‌توان در هنر سده‌های اول دوره اسلامی ایران مشاهده کرد. این نقوش به‌ویژه در ظروف فلزی و سفالی بیشتر دیده می‌شود. عنصر اصلی در تزئین این ظرف معمولاً نقش اژدها است. این نقش در یک جوهردان فلزی که در دوره سلجوقی اوایل سده هفتم، در هرات ساخته شده قابل رؤیت است (شکل ۴). این جوهردان استوانه‌ای با سه دسته لولایی، تزئین شده، در وضعیت فوق‌العاده خوبی قرار دارد و بیشتر تزیینات زرکوبی اصلی خود را حفظ کرده و بسیاری از جزئیات حکاکی شده در زرکوبی هنوز قابل تشخیص هستند. این جوهردان با یک طرح طالع‌بینی پیچیده تزئین شده است.

تصویر جوزهر بر تخت نشسته در میان یک جفت عصا با سر اژدها در شمار زیادی از ظروف فلزی دوره سلجوقی از جمله در تزیینات دیگ معروف به ببرینسکی، سال ۵۵۹ هجری، در موزه ارمیتاژ دیده می‌شود (شکل ۵).



تصویر ۴. مرکبدان مفرغی، احتمالاً هرات، دوره سلجوقیان، حدود ۶۰۰ هجری، Sothebys.com



تصویر ۵. دیگ معروف به بپرینسکی، هرات، دوره سلجوقیان، سال ۵۵۹ هجری، سن پیترزبورگ، موزه ارمیتاژ.

جوزهر در شمایل‌نگاری‌های هندو و اسلامی به صورت شبه سیاره‌ای است که مسئول کسوف و خسوف ماه است. او از خدای هندو، راهو، سرچشمه گرفته است که ویژگی او سر بریده اژدها است. از این رو، در طالع‌بینی اسلامی، او با سر اژدهایی که بر روی عصایی در دو طرف قرار گرفته است، به تصویر کشیده شده است. راهو برخلاف میل خدایان، جرعه‌ای از نوشیدنی جاودانگی، امریتا را نوشیده بود. ویشنو که توسط خورشید و ماه محکوم شده بود، سر او را از تنش جدا کرد؛ اما اکنون جاودانه، سر و بدن او باقی مانده بود تا از خورشید و ماه انتقام بگیرد. هر زمان که می‌توانستند، دو بخش راهو تلاش می‌کردند خورشید و ماه را ببلعند و از این طریق به ترتیب باعث کسوف و خسوف شوند (Hartner, 1973, 121).

برج قوس

دم برج قوس در صورت فلکی زدیاک به شکل سر اژدها تصویر می‌شود. علت این موضوع همان طوری که در «زیچ گیهان» از بندهش آمده است که سر و دنب گوزهر در دو پیکر (جوزا) و نیمسب (قوس) قرار دارد. ابوریحان بیرونی به جوزهر درجات خاصی نسبت داد که نشان دهنده بالاترین و پایین‌ترین نقاط نفوذ بود، یعنی به ترتیب جوزا سه درجه و قوس سه درجه. در نجوم اسلامی، ارتباط این صورت با سیاره شبه جوزهر به یک استاندارد تبدیل شده است (امینی، ۱۳۹۸: ۱۶۱). به این دلیل دم برج قوس به صورت سر اژدها ترسیم می‌شود (شکل ۶).



تصویر ۶. صورت برج قوص، کاشیکاری، سردر بازار قیصریه اصفهان، دوره صفویه.

صورت طالع بینی و طلسمی نقش اژدها

نقش اژدها علاوه بر وجهه نجومی، اژدها با بدن گره دار، از اهمیت طالع بینی و طلسمی هم برخوردار است. چندین موجود خارق العاده شبیه به اژدها با بدن های گره دار را می توان در هنر ایران پیش از اسلام و بعد از اسلام مشاهده کرد، به عنوان مثال در یک اشیاء آیینی و یا تشریفاتی سنگی هزاره پنجم قبل از میلاد جیرفت در جنوب شرقی ایران، دو موجود خارق العاده با بدنی مار مانند را نشان می دهد. آن ها در ترکیبی با بیکره هایی متقارن از رودررو و به هم گره خورده و با گره هایی در بدن هر کدام قرار گرفته اند (شکل ۴:۲۷). شبیه این نقش در دوره اسلامی اواخر سده هشتم و یا اوایل سده نهم هجری، در نقش حجاری شده بر روی سنگ مرمر، اواخر سده هشتم و یا اوایل سده نهم هجری که در بالای آن کتیبه «السلطان المعظم» نوشته شده دیده می شود (شکل ۸). تعبیر متفاوتی از معنای این نقش تزئین وجود دارد. در اینجا فقط یک حلقه - خط اعتدال مدار ماه نیست بلکه با تأکید بر گره خوردن دو مار به همدیگر و همچنین گره بزرگ بدن هر کدام از آن ها است. با توجه به نقش گره و عنایت به این نکته که گره از ابزار جادوگران بوده، ممکن است این نقوش دارای وجه طلسمی باشند. قرآن کریم در سوره فلق هم به این موضوع اشاره دارد: «من شر النفاثات فی العقد: یعنی و از شر زنان جادوگر ساحر، که در عقده ها و گره ها علیه مسحور می دمنند و به این وسیله مسحور را جادو می کنند؛ و اگر از میان جادوگران، خصوص زنان را نام برد، برای این بود که سحر و جادوگری در بین زنان بیشتر است تا مردان و از این آیه استفاده می شود که قرآن کریم تأثیر سحر را فی الجملة تصدیق دارد» (تفسیر المیزان ذیل تفسیر سوره فلق).



تصویر ۷. دو مار به همدیگر گره خورده، شیخ سنگی آیینی، هزاره پنجم قبل از میلاد، جیرفت،
تصویر ۸. دو مار به همدیگر گره خورده، پلاک سنگی مرمر، اواخر سده هشتم و یا اوایل سده نهم هجری،
احتمالاً آتاتولی، قاهره، مجموعه ذوالمویدالدین سیف‌الدین شیخ.

نقش اژدها در هنر سلجوقیان در قرن ششم و هفتم هجری کاملاً رایج است. مشهورترین نمونه از ارتباط نقوش اژدهای با اهمیت طلسمی در دروازه طلسم بغداد است که در سال ۶۱۸ هجری احتمالاً می‌بایستی به پیشنهاد منجمان و به دستور خلیفه عباسی الناصر (۶۲۲-۵۷۶ هجری) ساخته شده باشد. در این نقش سنگی، یک پیکره انسانی بین دو اژدها نشسته و اژدهایی که به سمت سر انسان چرخیده شده را نگه داشته است. هر کدام از دو اژدها بال دارند و با یک جفت شاخ و دو پای جلویی به تصویر کشیده شده‌اند. (تصویر ۴:۲۹).



تصویر ۹. نقش اژدها، دروازه طلسم بغداد، ۶۱۸ هجری، خلیفه عباسی الناصر (۶۲۲-۵۷۶ هجری).

اینجا دو اژدها یک نوزاد که نمادی از ماه نو است را تهدید نمی‌کند بلکه نمودی از خلیفه الناصر (۶۲۲-۵۷۶ هجری) را در نقش سنگ برجسته بالای دروازه طلسم در بغداد در حال خفه کردن دو دشمن خود یعنی چنگیز خان (۶۲۶-۶۰۲ هجری) حاکم مغول و دیگری جلال‌الدین محمد شاه خوارزم (۶۲۸-۶۱۷ هجری) که هردو از دشمنان خلیفه عباسی در بغداد بودند (Khazaie. 1999, 207).

این دروازه طلسم در انفجاری در سال ۱۹۱۷ میلادی توسط انگلیسی‌ها در جنگ با عثمانی‌ها نابود شد.



تصویر ۱۰. دو اژدهای بالدار درب کوب، دوره سلجوقی، اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم هجری، مجموعه دیوید در کپنهاگ.

تصویر ۱۱. شکل دو اژدهای بالدار با دم‌هایی به هم گره‌خورده، نسخه خطی «الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعة الحیل»، الجزاری، ۶۰۳ هجری.

چند نمونه عالی نقش اژدها با بدن‌های گره‌دار، به صورت در کوب در سایر ایشیا دوره سلجوقیان از اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم هجری یافت می‌شود. نقش اژدها در این درب کوب‌ها به شکل دو اژدهای بالدار با دم‌هایی به شکل سر پرنده‌گان که بال‌های هر دوی آن‌ها به صورت برگ‌های اسلیمی به تصویر کشیده شده است. یک جفت از این درب کوب‌ها در مجموعه دیوید در کپنهاگ نگهداری می‌شود (شکل ۱۰). نمونه دیگر در موزه‌های دیگر از جمله موزه هنرهای اسلامی برلین موجود است. این کوبه‌های برنز ریخته‌گری شده نه تنها به دلیل طراحی‌های زیبا بلکه به دلیل نمادگرایی نجومی و اهمیت طالع بینی و طلسمی نیز مورد توجه هستند.

قابل توجه است الجزاری، مانند آنچه به شکل در کوب‌ها دیده می‌شود، در نسخه خطی «الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعة الحیل» اثر الجزاری که تاریخ نگارش آن به سال ۶۰۳ هجری برمی‌گردد نقاشی و ارائه شده است (شکل ۱۱). الجزاری در کتابش فقط به روش ساختن این کوبه اشاره دارد، در خصوص کاربرد این نقش مطلبی بیان نمی‌کند (الجزاری، ۱۳۸۰: ۲۸۷).

حضور نقش اژدهای چینی در هنر ایران

با انقراض حکومت‌های سلجوقیان و سپس خوارزمشاهیان در ایران و با استقرار و حکمرانی مغولان در دو سرزمین ایران و چین ارتباط فرهنگی بسیار نزدیکی بین این دو کشور برقرار می‌شود. تأثیر نقش اژدهای چینی در هنر ایران در دوره ایلخانان مغول بسیار چشمگیر و قابل پیگیری است. نقش اژدها در تزیینات هنرهای کاربردی و تزیینات وابسته به معماری به فراوانی دیده می‌شود. نقش اژدها در معبد تاریخی داش کسن یا معبد اژدها از ویژگی خاصی برخوردار است. این معبد از سمت شمال به دشت سلطانیه و بنای تاریخی آرامگاه سلطان محمد خدابنده اشراف دارد. این معبد در دامنه صخره‌های روستای وییر کنار شهر قدیم سلطانیه قرار دارد. شکل‌گیری این معبد پس از مرگ ارغونشاه، (۶۹۰-۶۸۳ هجری) با پشتکار الجای خاتون، خواهر سلطان الجایتو محمد خدابنده (۷۱۶-۷۰۳ هجری) آغاز شد، ولی به پایان نرسید. در این معبد نقوشی از هنر چینی به کار رفته است. نقش‌های اژدها به طول ۵ متر و عرض ۱/۵ متر در زمره بزرگ‌ترین نقوش تزئینی این معبد است (شکل ۱۲). تأثیر و تأثر متقابل ایران و چین بر یکدیگر بیش از هر محل دیگری در این مکان مشهود است چنانچه تلفیق طرح‌های اسلیمی و نقش اژدها این موضوع را متذکر می‌شود.



تصویر ۱۲. نقش اژدها، معبد داش کسن یا معبد اژدها، دامنه صخره‌های روستای وییر، سلطانیه، اواخر سده هفتم هجری، دوره ایلخانی.

گفتنی است: یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین سلسله‌هایی که در دوره فترت بین سلطنت ایلخانان مغول و تیموریان در ایران حکومت کرده‌اند، نقش روی پرچم و رایت سلسله جلایری‌ها که آن‌ها یکی از ایلات بزرگ مغول بوده‌اند اژدهایی است که از کمر گره خورده است. سلمان ساوجی در بعضی از قصاید خود در مدح سلاطین آل جلایر بدان اشاره می‌کند.

ز اژدهای درفش تو بر دلش گرهی است که آن گره سر دندان مار بگشاید
برخلاف اژدهای چینی که موجودی خوب و دوستانه بود، اژدهای ایرانی در این دوره هم معمولاً خشن و تهاجمی بوده و اژدها و کیلین (گرگ اژدها پیکر یا سگ بالدار) که

در چین بهترین رابطه را با یکدیگر دارند، در هنر ایرانی به دشمنان مرگبار تبدیل شدند و اغلب در جدال با هم ظاهر شده‌اند. اژدها و سیمرغ همیشه در حال جدال تصویر شده‌اند؛ بنابراین تأثیر هنر چین بر اژدهای ایرانی فقط در شکل و صورت است و در معنا و مفهوم اثری دیده نمی‌شود.

مفهوم نقش اژدها در علم و علمات

در «علم» معمولاً دو سر اژدها نیز دیده می‌شود که نسبت به سایر عناصر از دلالت کمتر شناخته شده‌ای برخوردار است. به نظر می‌رسد نقش اژدها در علم و توغها با توجه به جایگاه مذهبی نمی‌تواند مفهوم نجومی و یا طلسمی داشته باشد. به این معنا سر دو اژدها نه حالت تهدید به طرف سر علم و دارای گره می‌باشند؛ بنابراین می‌بایستی مفهومی فراتر از آن‌ها داشته باشد.

نگارنده در یادداشتی با عنوان: صورت معنوی هنر عاشورایی، در کتاب دومین سوگواره پوستره‌های عاشورایی، موضوع را با مفهوم درخت زندگی همسودانسته: «شکل بسیاری از علامت‌ها و سر علم‌ها که با تیغه‌های فلزی به صورت نقش تجریدی درخت سرو (سرو سر خمیده) که در دو طرف آن نقش طاووس قرار گرفته ساخته شده است که از لابلای آن سرهای اژدها بیرون آمده است (شکل ۱) / در اینجا شکل‌های ۱۳ و ۱۴. در هنر ایران «درخت زندگی» همراه با نقش طاووس جایگاه مهمی دارد. به اعتقاد پیشینیان طاووس نابودکننده مار (اژدها) و مار نماد اهریمن که درصدد تسلط بر درخت زندگی است (گرتروود. ۱۳۷۰: ۵۶). با سلطه مار بر درخت زندگی سبب خشک‌سالی و آب در روی زمین به آفت شوری و بدمزگی آمیخته می‌شود (میرچیا، ۱۳۶۵: ۱۳). هنرمند با ذوق عاشورایی به شکلی نمادین، از خمیرمایع «درخت زندگی» بافرمی نودر جهت معنا دادن به فاجعه کربلا سود جسته‌اند. شاید در اینجا حضور اژدها بر فراز این درختان تجریدی همانا سلطه یزیدیان بر شجره طیبه ولایت و از طرفی دیگر یادآور عطش و تشنگی و قطع آب روز عاشورا است» (خرزائی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۶).



تصویر ۱۳. علم، دوره صفویه، سده ۱۲ هجری، مجموعه دیوید، کپنهاگ.
تصویر ۱۴. پرده قلمکار، دوره قاجار، سده ۱۳ هجری، موزه برلین.

در احادیث اسلامی و حتی در قرآن واژه اژدها دیده می‌شود. حضرت رسول (ص) در حدیثی در خصوص مار فرموده‌اند: «در بهشت چیزی زیباتر از طاووس و مار نبود و برای مار چهار دست و پا بود مانند دست و پای شتر، پس شیطان در شکم مار داخل شد و آدم را فریب داد، خداوند بر مار خشم گرفت و پاهایش را انداخت و فرمود تورا خاک و راه رفتنت را بر شکم قرار دادم» (ترجمه بحارالانوار، مجلسی. ۱۳۶۳ ج ۷: ۷۴). لفظ اژدها (ثعبان) دو بار در قرآن: سوره اعراف / ۱۰۷ و سوره شعراء / ۳۲ آمده است: در لغت آمده. فَالْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ. اعراف «۱۰۷» پس (موسی) عصای خود را افکند ناگهان به صورت اژدهای نمایان شد. عصای حضرت موسی پس از اژدها شدن، همه‌ی بافته‌های ساحران را بلعید، «تَلَقَّفَ مَا يَأْكُون».

به نظر می‌رسد نقش مار و یا اژدها در فرهنگ اسلامی نقش محافظت، مهارکننده، حرز، نگه‌دارنده و مقابله با سحر و جادو (عصای موسی) را عهده‌دار می‌شود اژدها منتسب به حضرت موسی علیه السلام وظیفه نگهبانی را عهده‌دار است. اژدها در قرآن عصای دست حضرت موسی، محافظ و مانع او از شر نفوس جادوگران و نابودکننده فرعونیان است. بنابراین ممکن است نقش مار و یا اژدها در علم و علامات نقش محافظت، مهارکننده، حرز، نگه‌دارنده و مقابله با دشمن را عهده‌دار می‌شود (حِرْزٌ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ). معمولاً نقش سر دو اژدها در دو طرف علم و پنجه‌ها در فرمی به شکل دسته عصا قرار می‌گیرند (شکل ۱۵ و ۱۶).

سر دو اژدها در علم‌ها برخلاف سر اژدها در نجوم سر هر کدام از دو اژدها به سمت نوزاد که نمادی از ماه نو است و روبرو هم قرار دارند، در اینجا پشت به پشت هم قرار گرفته و حالت محافظت دارند. در هیچ علمی دو اژدها به صورت مقابل و روبروی هم آورده نشده‌اند.



۱۵. علم، دوره صفوی، <https://www.chiswickauctions.co.uk>

۱۶. بخشی از یک علم، دوره صفوی، موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با واکاوی جایگاه نمادین اژدها در شمایل‌نگاری هنر ایران، نشان می‌دهد که این نقش، صرفاً در چارچوب تک‌بعدی «نماد شر» قابل فهم نیست، بلکه دالی پیچیده و چندلایه است که در بسترهای مختلف فرهنگی و تاریخی، معانی متنوع و گاه متضادی به خود گرفته است. بررسی پیشینه این نماد، ریشه‌هایی بومی و کهن را در تمدن‌های فلات ایران (همچون آثار هزاره‌های پیش از تاریخ در جیرفت) آشکار می‌سازد و این فرضیه صرفاً وارداتی بودن آن از هنر چین در دوره‌های متأخر را با وجود پذیرش برخی تأثیرات صوری در دوره‌هایی مانند ایلخانی به چالش می‌کشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که اژدها در منظومه نمادین ایران، حضوری دوسویه و پویا دارد. از یک سو، در اساطیر و باورهای عامیانه، به عنوان نیرویی اهریمنی و مختل‌کننده نظم کیهانی (بلعنده خورشید و ماه) تصویر شده است؛ اما از سوی دیگر، در حوزه‌های دیگر، وجوهی کاملاً متفاوت می‌یابد:

در حوزه نجوم و صور فلکی، نماد گرفت‌ها و پدیده‌های آسمانی است. در هنرهای تزئینی، با تکیه بر نمادین بودن «گره»، می‌تواند کارکردی طلسم‌گونه و محافظتی داشته باشد. در فرهنگ اسلامی ایرانی، با استناد به روایت قرآنی عصای موسی (ع)، به صورت نمادی حامی، نگهبان و نابودکننده جباران و جادو متجلی می‌شود. این کارکرد محافظتی به‌ویژه در تزئین «علم‌ها» و پرچم‌ها تبلور عینی یافته است. در این مصنوعات، دو اژدها معمولاً در دو سوی علم، با پیکره‌ای گره خورده و پنجه‌هایی شبیه به دسته عصا و در حالتی پشت‌به‌پشت نقش می‌بندند. این ترکیب بندی خاص در تقابل با تصاویر نجومی که اژدهاها را روبروی هم نشان می‌دهند بر وظیفه حفاظت از محیط بیرون و دفع شر تأکید دارد و نماد اژدها را از یک موجود مهاجم به یک محافظ دائمی و مهارکننده تهدیدات تبدیل می‌کند.

همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد که مرز بین مار و اژدها در سنت ایرانی سیال است و تحول معنایی مهمی را طی کرده است؛ از جایگاه کهن مار به عنوان مظهر درمان (پیش از زرتشت) تا تبدیل شدنش به نماد اهریمنی و سپس احیای وجه محافظتی آن در قالب اژدها در دوره اسلامی، به‌ویژه در نقوشی مانند علم.

در مجموع، می‌توان ادعا کرد که اژدها در هنر ایران، نمادی پویا، بسترمحوتوا و چندوجهی است. تفسیر یک‌سویه و شرمحور از این نقش، نادیده گرفتن غنای مفهومی و توانش تطبیق‌پذیری آن در طول تاریخ پرفرازونشیب فرهنگ ایران است. فهم این نماد، مستلزم عبور از نگاه ذات‌گرایانه و توجه به زمینه‌های خاص کاربرد آن در دوره‌های تاریخی، متون ادبی، باورهای نجومی و هنرهای کاربردی از جمله در آیین‌ها و نمادهای تشیع مانند علم است. این پژوهش، گامی در جهت گشودن این افق تفسیری چندبعدی به‌شمار می‌رود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- الجزری ابی العزین اسماعیل (۱۳۸۰). مهندسی مکانیک در تمدن اسلامی، ترجمه محمدجواد ناطق و دیگران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- امینی، حسن (۱۳۹۸). جوزهر، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد هشتم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خزائی محمد (۱۳۸۸). صورت معنوی هنر عاشورایی در کتاب دومین سوگواره پوستره‌های عاشورایی، مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، تهران: انتشارات سوره مهر.
- رستگار فسائی منصور (۱۳۸۳). ازدها در اساطیر به نقل از روزنامه اطلاعات، ۲۴ تیر، ص ۶.
- گرتروید جایر (۱۳۷۰). سمبل‌ها کتاب اول، جانوران، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: انتشارات جهان‌نما.
- ماهیار. عباس (۱۳۹۳). نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی، چاپ دوم تهران: انتشارات اطلاعات.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۳). بحارالانوار، جلد هفتم، ترجمه موسی خسروی، تهران: انتشارات اسلامیه.
- میرچیا الیاده (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر فلسفه‌ای از تاریخ (اسطوره بازگشت جاودانه)، ترجمه بهمن سرکاراتی تبریز، چاپ اول، انتشارات نیما.
- هارتتر دبلیو (۱۹۳۸). نوشته‌های خط اعتدال نجومی کاذب مدار ماه در هندو و تندیس‌گرایی اسلامی، ترجمه آرس اسلامیکا، جلد پنجم، دانشگاه میشیگان.
- Al-Jazari Abi Al-Uzbin Ismail (1380). Mechanical engineering in Islamic civilization, translated by Mohammad Javad Natiq and others, Tehran: Academic Publishing Center. **[In Persian]**
- Amini, Hassan (2018). Jozhar, Big Islamic Encyclopedia, Volume 8, Tehran: Big Islamic Encyclopedia Center. **[In Persian]**
- Khazaei Mohammad (1388). The spiritual form of Ashurai art in the book "The Second Mourning of Ashurai Posters", Visual Arts Center of the Art Field, Tehran: Sore Mehr Publications. **[In Persian]**
- Khazaie Mohammad. 1999, The Arabesque Motifs (Islimi) In Early Islamic Persian Art, London: Book Extra.
- Rastgar Fasa'i Mansour (1383). Dragons in mythology, quoted by the daily newspaper, July 24, p. 6. **[In Persian]**
- Gertrude Jair (1370). Symbols, first book, animals, translated by Mohammad Reza Bagapour, Tehran: Jahannama Publications. **[In Persian]**
- Fisherman Abbas (2013). Second edition. Ancient astronomy and its reflection in Persian literature, Tehran: Information Publications. **[In Persian]**
- Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi (1363). Bihar al-Anwar's translation, the seventh volume, translated by Khosravi, Musa, Tehran: Islamia Publications. **[In Persian]**
- Mirchiya Eliade (1365). An introduction to a philosophy of history (the myth of eternal return), translated by Bahman Sarkarati of Tabriz, first edition, Nima Publications. **[In Persian]**
- Hartner W. (1938). Inscriptions of the false astronomical equinoctial line of the moon's orbit in Hindu and Islamic iconography, translated by Ares Islamica, Volume V, University of Michigan. **[In Persian]**
- Hartner W. 1973), 'The Vaso Vescovali in the British Museum. A Study on Islamic Astrological Iconography', in Kunst des Orients, 9, , p.121.

